

## سوره هفتم - اعراف

این سوره در مکه نازل شده . ۲۰۶ آیه دارد

به نام خداوند بخشنده مهربان

الف. لام. میم. صاد. (از حروف مقطعه قرآن) (۱)

کتابی است که به سویت فرستاده شده است و دلت از آن به تنگ نیاید (که مردم آن را انکار کنند). تا بدان مردم را بیم دهی و پندی باشد برای مؤمنان. آن چه را که از جانب پروردگارتان به سوی شما فرستاده شده پیروی کنید و جز آن دوستانی را متابعت ننمائید. چه اندکند آنهایی که پند می‌گیرند! (۲ - ۳)

چهبسیار آبادی‌هائی که صاحبان آنها را (به کيفر اعمال بدشان) هلاک کردیم و شبانگهان یا هنگامی که آنها در خواب نیمروزی بودند عذاب ما بر ایشان آمد! هنگامی که عذاب ما بر ایشان آمد گفتارشان جز این نبود که همانا ما ستمکاران بودیم! پس از کسانی که به سوبیشان پیامبر فرستادیم و نیز از خود پیامبران خواهیم پرسید. و البته حکایت حال آنان را از روی علم بر آنها می‌خوانیم که از کردار آنها غائب نبودیم! در آن روز (محشر)، میزان، عبارت از حق است. پس هر کس که ترازوی او سنگین باشد آنها رستگارانند. و هر که ترازویش سبک گردد آنان کسانینند که به خویشان زیان رسانیده‌اند! (۴ - ۹)

ما شما را در زمین جایگاه دادیم و برای شما در آنجا روزی‌ها برقرار ساختیم اما اندکی از شما سپاسگزاری می‌کنید! همانا ما شما را آفریدیم آنگاه بر شما شکل و صورت دادیم بعد به فرشتگان گفتیم که به آدم سجده کنید. همگی سجده کردند مگر ابلیس، که از سجده‌کنندگان نگردید! (خدا) فرمود وقتی گفتم سجده کنید چه چیزی تو را بازداشت که سجده نکردی؟! گفت من از او بهترم. مرا از آتش آفریدی او را از خاک! فرمود از آن مقام فرود آی. تو را نرسد که در آن نخوت و تکبر کنی! بیرون شو که تو از خوار شدگانی! گفت تا آن روز که همه برانگیخته می‌شوند به من مهلت بده. فرمود از مهلت یافتگانی. گفت به سبب آن که مرا گمراه نمودی حتما آنها را از راه راست تو به در برم! سپس از جلوی رویشان، و از پشت سرشان، و از طرف راست، و از طرف چپ بر آنها درآیم و تو بیشتر آنها را سپاسگزار نخواهی یافت! فرمود بیرون شو، نکوهیده و سرافکننده. هر کس از تو پیروی کند به یقین دوزخ را از همه شماها پر می‌کنم. (۱۰ - ۱۸)

ای آدم! تو و زنت در بهشت آرام گیرید و از هر چه بخواهید بخورید. (ولی) بدین درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران گردید! پس شیطان آنان را به فریفت تا آن چه از شرمگاهشان بر آنها پوشیده بود آشکار کند. و گفت پروردگارتان شما را از این درخت منع نکرد مگر این که شما (با خوردن از آن) دو فرشته شوید یا از جادوگران گردید! به آن دو سوگند خورد که من ناصح شمایم! پس آنان را بفریفت و (از مقامشان) سرنگون ساخت! و چون از آن درخت چشیدند شرمگاهشان بر آنان پدیدار گشت و شروع به پوشانیدن آنها با برگ‌های بهشت نمودند! پروردگاران آنها را ندا کرده فرمود آیا من شما را از این درخت منع نکردم؟! و گفتم که شیطان دشمن آشکار شما است! (۱۹ - ۲۲)

گفتند پروردگارا! ما بر خویشان ستم کردیم و اگر تو بر ما نبخشی و بر ما رحمت نکنی همانا از زیانکاران خواهیم بود! فرمود فرو شوید. بعضی از شما دشمن بعضی دیگر است و تا روز قیامت بهره‌مندی شما در زمین خواهد بود. فرمود در آن زندگی می‌کنید و در آن می‌میرید و بار دیگر (برای حضور در محشر) از آن بیرون آورده می‌شوید. (۲۳ - ۲۵)

ای بنی آدم! برای شما لباسی فرستادیم که شرمگاه‌های شما را بپوشاند و زیوری باشد. و لباس تقوی بهتر است. این از آیات خدا است باشد از آن پند گیرند! ای بنی آدم! مباد شیطان شما را بفریبد بدان سان که پدر و مادران را از بهشت بیرون کرد تا جامه‌های ایشان را از تنشان درآورد و شرمگاه‌هایشان را در معرض دید یکدیگر قرار داد! همانا او و کسانش شما را می‌بینند از جایی که شما آنها را نمی‌بینید! ما شیطان را برای کسانی دوست قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند! و چون کار زشتی انجام دهند گویند که پدران خود را بر آن یافتیم و خدا ما را بدان امر کرد. بگو خدا هرگز کسی را به کار رشت دستور ندهد. آیا درباره خدا مطالبی را به زبان می‌آورید که بدان علم ندارید؟! (۲۶ - ۲۸)

بگو پروردگار مرا به دادگری امر کرد و این که در هر نماز روی خود را به سوی او برگردانید و او را با اخلاص بخوانید و دین خاص او نمائید. چنان که شما را بادی امر آفرید و در آخرت نیز به سوی او باز گردید. (۲۹)

گروهی راه رستگاری یافتند و گروهی در گمراهی افتادند زیرا اینها خدا را گذاشته شیاطین را دوستان خود برگزیدند و پنداشتند که راه راست یافته‌اند. (۳۰)

ای بنی آدم! در موقع نماز زیورهای خود را (از خود) برگزید. (از نعمت‌های الهی) بخورید و بنوشید ولی اسراف نکنید که خدا اسراف‌کنندگان را دوست ندارد. (۳۱)

بگو چه کسی زینت‌هایی را که خدا برای بندگانش آفریده، حرام کرده و از صرف روزی حلال و پاکیزه منع نموده است؟ بگو این نعمت‌ها در دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و در آخرت خاص مؤمنان می‌باشد. ما اینچنین آیات بر دانیان تفصیل می‌دهیم. (۳۲)

بگو خدای من کارهای زشت را، چه پنهان و چه آشکارا حرام کرده است. همچنین گناهکاری و تعدی به ناحق، و این که چیزی را که حجت و دلیلی بر آن ندارید بر خدا شریک بگیرید! و نیز چیزهایی را درباره خدا بگوئید که نمی‌دانید. (۳۳)

بر هر امتی اجل و مهلتی است که چون فرا رسد لحظه‌ای درنگ یا سبقت نتواند کرد. (۳۴)

ای فرزندان آدم! چون پیامرانی از خودتان به سوی شما آیند و آیات مرا بر شما خوانند هر کس که تقوی پیشه کند و کار نیکو انجام دهد بر آنان بیمی نباشد و آنان اندوهگین نگردند. و آنان که آیات ما را تکذیب کنند و از آن سرکشی نمایند آنها اهل دوزخند و در آن جاویدان خواهند ماند! پس کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا افترا بزند. یا آیات الهی را تکذیب نماید. آنان بهره‌شان از کتاب به آنها برسد تا آن گه که فرستادگان ما بیابند که جان‌هایشان را بگیرند (در آن حال به آنها) گویند کجایند آنهایی که شما به جز خدا می‌خواندید؟! جواب دهند که آنها از ما ناپدید گشته‌اند (و بدین سان) بر زیان خویش شهادت دهند که کافر بوده‌اند! گویند داخل شوید در زمره امت‌هایی از جن و انس، که قیل از شما در آتش درآمده‌اند! هر امتی که در آن درآید گروه همکیش خود را لعن کند تا چون همه گردآیند آخری‌ها (با اشاره) به اولی‌ها گویند پروردگارا! اینان ما را گمراه کردند از آتش دوزخ دو چندان بر آنها قرار بده! فرماید که عذاب همه دوچندان است ولی شما نمی‌دانید! و اولی‌ها به آخری‌ها گویند شما را بر ما برتری نیست پس به سبب آن چه کردید عذاب را بچشید! (۳۵ - ۳۹)

آنان که آیات ما را تکذیب کردند و از آنها سرپیچی نمودند هرگز درهای آسمان به روی آنها باز نشود و داخل بهشت نگردند تا شتر از سوراخ سوزن بگذرد و ما گناهکاران را این چنین کیفر می‌دهیم! برای آنها در دوزخ از آتش بستری است و رویشان پوشش‌هایی است. چنان که گذشتن شتر از سوراخ سوزن امر محالی است درآمدن آنها هم به بهشت ممکن نمی‌باشد.

از آن می‌باشد و ما ستمکاران را چنین جزا می‌دهیم! (۴۰ - ۴۱)

کسانی که ایمان آورند و (در حد توان) کارهای نیکو انجام دهند، و ما کسی را جز به اندازه توانش تکلیف ننمائیم، آنان یاران بهشتند و در آن جاویدان بمانند! زنگار کینه از دل‌هایشان بزدایم. از زیر پاهایشان نهرها جاری باشد و گویند سپاس بر خدا که ما را بدین مقام هدایت کرد. و اگر هدایت او نبود بدین مقام راه نمی‌یافتیم. همانا فرستادگان پروردگار ما به حق آمدند. ندایشان داده شود که بهشت از آن شما است و به سبب آن چه کردید وارث آن گشتید. (۴۲ - ۴۳)

بهشتیان دوزخیان را آواز دهند که ما، آن چه را که پروردگار ما به حق بر ما وعده داده بود، یافتیم آیا شما هم آن چه را که پروردگارتان به حق وعده کرده بود یافتید؟ گویند آری! آنگاه منادی‌ای بین آنها ندا دهد که لعنت خدا بر گروه ستمکاران باد! آن کسان که مردم را از خدا باز می‌دارند و برای آنها کژی می‌طلبند و به روز قیامت ایمان ندارند! و میان آن دو گروه حائلی است. و بر اعراف<sup>۱</sup> مردمانی باشند که همه را به سیمایا بشناسند. آنان بهشتیان را آواز دهد و گویند سلام بر شما. اینها (یعنی اهل اعراف) به بهشت در نیایند ولی در آرزوی آن می‌باشند! و چون نگاه آنها بر دوزخیان افتد گویند پروردگار! ما را با ستمگران قرین مگردان!

اهل اعراف مردانی (از دوزخیان) را که به سیمایشان می‌شناسند ندا داده گویند جمع کردن مال دنیا شما را به کار نیامد نه آن که بدان فخر و کبر می‌فروختید! آیا اینها (مؤمنان) هستند آنهایی که سوگند می‌خورید خدا آنان را به رحمتی نرساند؟! (و به آن مؤمنان گفته شود) به بهشت در آئید. بر شما بیم و هراسی نیست و شما در آن اندهگین نشوید. (۴۴ - ۴۹)

و اهل دوزخ بهشتیان را آواز دهند که از آب و چیزهایی که خدا به شما روزی داده است ما را بهره‌مند سازید. آنها جواب دهند که خدا اینها را بر کافران حرام کرده است! آن کسان که دین خود را بازیچه و سرگرمی قرار دادند و زندگی دنیا آنها را بفریفت! پس بدان‌سان که آنها دیدار امروز را فراموش کردند و آیات ما را انکار نمودند ما هم آنان را امروز به فراموشی می‌سپاریم! همانا ما بر آنها کتابی آوردیم و آن را از روی دانش شرح و تفصیل کردیم تا هدایت و رحمتی بر گروه مؤمنان باشد. آیا جز تأویل آن چشمی می‌دارند؟ روزی که تأویل آن آید آنان که از پیش آن را فراموش کرده بودند گویند همانا فرستادگان پروردگار ما به حق بر ما آمدند. آیا شفیعانی برای ما باشد که از ما شفاعت کنند؟ یا آن که به دنیا بازگردانده شویم تا غیر از آن چه کردیم عمل نمائیم! بی‌گمان آنها به خود زیان زدند و آن دروغ‌ها که می‌ساختند از آنها گم شد! (۵۰ - ۵۳)

پروردگار شما خدائی است که آسمان و زمین را در شش روز آفرید سپس به امر عرش پرداخت. او روز را به پرده شب، که به شتاب به دنبال آن می‌رود، درپوشید و خورشید و ماه و ستارگان مستخر امر و فرمانبردار اویند. آگاه باشید که ملک آفرینش و فرمان همه از آن او است. بلندمرتبه است پروردگار جهانیان. پروردگارتان را به تضرع و در نهان بخوانید، به راستی او متجاوزان را دوست ندارد! هرگز در زمین بعد از اصلاح امور آن فساد نکنید. خدا را در بیم و امید بطلبید بی‌گمان رحمت او به نیکوکاران نزدیک است.

اوست خدائی که بادهای را به مژده باران رحمت خویش پیشاپیش بفرستد تا ابرهای سنگین را بردارند. ما آن را به زمین مرده‌ای روان سازیم و از آن باران فرستیم و با آب اعراف در لغت به معنی جایگاه بلند است و در این آیه آن را به جایی میان بهشت و دوزخ تفسیر کرده‌اند.

آن به هر میوه‌ای بیرون آوریم. مردگان را هم این چنین از خاک بیرون می‌آوریم باشد که شما پند گیرید! زمین پاکیزه به اذن خدا گیاه خوب برویاند ولی زمینی که ناپاک باشد جز اندکی نامرغوب بیرون نیاورد! ما این گونه آیات را بر کسانی که شکرگزارند بیان می‌کنیم. (۵۴ - ۵۸)

ما نوح را بر طایفه‌اش فرستادیم گفت ای قوم! خدا را بپرستید. برای شما جز او معبودی نیست من از عذاب روز بزرگ (قیامت) بر شما بیمناکم! بزرگان قوم گفتند تو را سخت در گمراهی می‌بینیم! گفت ای قوم! من در گمراهی نیستم بلکه فرستاده پروردگار عالمیانم. پیام‌های پروردگارم را برای شما می‌رسانم. به شما نصیحت می‌کنم و از سوی خدا به اموری آگاهی دارم که شما نمی‌دانید. چرا بر شما شگفت می‌آید که از جانب پروردگارتان به وسیله مردی از خودتان پندی بر شما آید که شما را بیم دهد و (گوید) پرهیزکار شوید باشد که مورد رحمت الهی قرار گیرید! آنها او را تکذب کردند. ما او و کسانی را که با وی در کشتی بودند نجات دادیم ولی آنهایی را که آیات ما را تکذیب کردند غرق ساختیم. به راستی آنان گروهی کوردل و نادان بودند. (۵۹ - ۶۴)

بر قوم عاد برادرشان هود را (فرستادیم)<sup>۱</sup> گفت ای قوم! خدا را بپرستید. برای شما جز او معبودی نیست. چرا پرهیزکار نمی‌شوید؟ بزرگان قوم که کفر ورزیدند گفتند به راستی تو را در سفاقت می‌بینیم و تو را از دروغ‌گویان می‌پنداریم! گفت ای قوم من سفیه نیستم بلکه فرستاده‌ای از جانب پروردگار عالمیانم. پیام‌های پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم و من نصیحت‌گر امینی برای شما هستم. چرا در عجب می‌شوید اگر پندی از جانب پروردگارتان به وسیله مردی از خودتان بر شما آید که بیمتان داده برحذر دارد. به یاد آورید که خدا بعد از قوم نوح شما را جانشین آنها کرد و در خلقت و نعمت، شما را فراخی داد. پس نعمت‌های الهی را به یاد آورید باشد که رستگار شوید. گفتند آیا تو برای آن به سوی ما آمده‌ای که خدا را به یکتائی بپرستیم و آن چه را که پدران ما می‌پرستیدند ترک کنیم؟ اگر راست می‌گوئی آنچه را (از عذاب) که به ما وعده می‌دهی بیار. گفت عذاب و غضب از سوی پروردگارتان بر شما واجب گشته است. چرا در مورد نام‌هایی که شما و پدرانتان (از پیش خود بر بت‌ها) نهاده‌اید با من محاجه می‌کنید؟ و حال آن که خدا برای آنها دلیل و برهانی نفرستاده است. پس منتظر (عذاب) باشید که من هم با شما در انتظار خواهم بود. او و کسانی که با او بودند به رحمت خویش نجات دادیم و ریشه آنهایی را که آیات ما را تکذیب می‌کردند و مؤمن نبودند قطع نمودیم! (۶۵ - ۷۲)

بر قوم ثمود برادرشان صالح را فرستادیم. گفت ای قوم! خدا را بپرستید. برای شما جز او معبودی نیست. به تحقیق از سوی پروردگارتان بر شما معجزه‌ای آمده. این شتر و ناقه خدا بر شما معجزه است. بگذارید در زمین خدا بچرد و آسیبی بدو نرسانید که در این صورت عذاب دردناکی بر شما می‌رسد. به یاد آورید که بعد از قوم عاد شما را جانشین (انها) ساخت و در زمین جایگاهتان داد که در قسمت‌های هموار کاخ‌ها بسازید و در کوه‌ها خانه‌ها بتراشید. پس نعمت‌های الهی را یاد کنید و در زمین فسادگران تبهکار نباشید! بزرگان و گردنکشان قوم به ضعف و فقرانی که به صالح پیوسته و ایمان آورده بودند گفتند آیا شما می‌دانید که صالح از جانب خدا فرستاده شده است؟! آنها گفتند ما بدان چه فرستاده شده ایمان آوردیم. آنان که گردنکشی می‌کردند گفتند ما بدان چه شما ایمان آورده‌اید ایمان نداریم! پس ناقه را پی زدند و از فرمان پروردگارتان سرپیچیدند و گفتند ای صالح اگر تو از

۱. افراد طوایف و اقوام مذکور در این آیات مردان طایفه خود را برادران همدیگر می‌دانستند.

فرستادگان خدائی آن چه را (از عذاب) که به ما وعده می‌دهی بیار. پس صحیفه آنها را فرا گرفت و در خانه‌های خود از پای درآمدند! صالح از آنان روی برگردانید و گفت ای قوم! من پیام پروردگارم را به شما رسانیدم و شما را نصیحت کردم ولی شما نصیحت کنندگان را دوست ندارید! (۷۳ - ۷۹)

و لوط را (فرستادیم) هنگامی که او به قوم خود گفت چرا به کار زشتی مبادرت می‌کنید که پیش از شما هیچ کسی از جهانیان آن را نکرده است. شما به جای زنان با مردان شهوت می‌رانید! آری که شما گروهی اسراف‌کنندگانید! جواب قوم وی جز این نبود که گفتند او و پیروانش را از آبادیتان بیرون کنید که آنان جماعتی پاک‌جویان هستند. ما او و خانواده‌اش را نجات دادیم مگر زنش را که از بازماندگان بود! و بر آنها بارانی (از سنگریزه) فروبارانیدیم! بنگر که عاقبت گناهکاران چیست؟! (۸۰ - ۸۴)

و بر اهل مدین برادرشان شعیب را فرستادیم. گفت ای قوم خدا را بپرستید. برای شما جز او معبودی نیست. به تحقیق که دلیل و برهانی از جانب پروردگارتان بر شما آمده است. پس پیمان‌ه و ترازو را تمام بدهید و اشیاء مردم را کم ندهید و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید. این بخیر و صلاح شما است اگر ایمان آورده‌اید. و بر سر راه‌ها منشینید که مردم را بترسانید. و کسی را که به خدا ایمان آورده است از راه خدا بازدارید و آنها را به کژی بی‌اندازید. هنگامی را به یاد آورید که شما اندک بودید شما را بیشتر گردانید و بنگرید که عاقبت کار فسادکنندگان چگونه باشد؟! اگر گروهی از شما بدان چه من (شعیب) فرستاده شده‌ام ایمان آورید و گروهی دیگر نه. پس صبر کنید تا خدا بین ما داوری کند و او بهترین داورها است. بزرگان قوم او، که گردنکشی می‌کردند گفتند ای شعیب ما تو را و کسانی را که به تو ایمان آورده‌اند، از شهر خود بیرون می‌کنیم مگر آن که به آئین ملت ما بازگردید. گفت اگر چه ما خواهان آن نباشیم؟! اگر ما، بعد از آن که خدا ما را از آنها نجات داد به آئین ملت شما بازگردیم، به تحقیق بر خدا افترا و دروغ بسته باشیم! بر ما سزاوار نباشد که بدان بازگردیم مگر آن که خدای ما بخواهد. پروردگار ما به دانش خود بر همه چیز احاطه دارد. ما بر خدای خود توکل کرده‌ایم. پروردگار! بین ما و قوم ما به حق داوری نما و تو بهترین داورانی! بزرگان کافر قوم به مردم گفتند اگر شما شعیب را پیروی کنید آن وقت از زیانکاران باشید! پس زلزله‌ای آنان را فراگرفت و آنها در سرای خویش مرده بر زمین افتادند! کسانی که شعیب را تکذیب کردند گوئی هرگز در آنجا نبودند و آنها از زیانکاران بودند! پس شعیب از آنان روی برگردانید و گفت ای قوم! من بهیقین پیام‌های پروردگارم را بر شما رسانیدم و به شما نصیحت کردم پس چگونه بر جمع کافران انده مخوردم؟! (۸۵ - ۹۲)

ما هیچ پیامبری به هیچ شهر و دیاری نفرستادیم مگر آن که مردمش را به سختی و رنج دچار ساختیم تا شاید توبه کرده به درگاه خدا تضرع و زاری کنند. سپس آن سختی‌ها و بدی‌ها را به آسایش و نیکی مبدل نمودیم تا برآسودند و گفتند پدران ما رنج و سختی دیدند (و ما در امانیم) پس آنان را بگرفتیم در حالی که خود آنها غافل بودند! (۹۳ - ۹۵)

اگر مردم شهر ایمان آورده پرهیزکار می‌شدند همانا درهای برکت را از آسمان و زمین به روی آنها می‌گشودیم ولیکن چون آیات ما را تکذیب کردند پس ما هم آنها را به کيفر کار زشتشان رسانیدیم! مگر صاحبان آبادی‌ها ایمنند که عذاب ما در روز به آنان برسد و آنان سرگرم بازی باشند؟! مگر آنها از تدابیر الهی ایمنند در حالی که جز گروه زیان کاران از تدابیر الهی غافل و ایمن نباشند؟! آیا خدا این مردم را، که زمین را بعد از مردن اهلس به ارث برده‌اند، هدایت نکرد؟! اگر می‌خواستیم آنها را به کيفر گناهانشان

می‌گرفتیم و بر دل‌هایشان مهر می‌نهادیم پس آنها نمی‌شنیدند! (۹۶ - ۱۰۰)

این شهر هاست که اخبار آنها را با شما باز می‌گوئیم. به تحقیق پیامبرانی با دلایل و معجزات بر آنها آمدند اما آنها بر آن نشدند که بدان‌چه قبلاً تکذیب کرده بودند ایمان آورند. خدا این‌چنین بر دل‌های کافران مهر می‌نهد و ما، در بیشتر آنها وفای به عهد نیافتیم! آن چه یافتیم این بود که بیشتر آنها تبهکارند! (۱۰۱ - ۱۰۲)

بعد از آن (پیامبران) موسی را با معجزات خویش به سوی فرعون و کسانش فرستادیم. آنها هم بدو ایمان نیاورده به مخالفت برخاستند پس بنگر که عاقبت کار تبهکاران چگونه است؟! موسی به فرعون گفت من فرستاده‌ای از جانب پروردگار جهانیانم. سزاوار نیست که از جانب خدا جز سخن حق بگویم. با دلایل و معجزات از سوی پروردگارتان به سوی شما آمده‌ام که بنی‌اسرائیل را با من (به سرزمینشان) بفرست. فرعون گفت اگر معجزه آورده‌ای و راست می‌گوئی آن را بیار! موسی عصایش را انداخت و ناگهان اژدهائی پدیدار گشت! و دستش را (از آستین) بیرون آورد که برای بینندگان نورانی نمود. سران قوم فرعون گفتند بی‌شک او جادوگر و ساحر دانائی است. می‌خواهد شما را از سرزمینتان بیرون کند پس درباره او چه دستور می‌دهید؟! گفتند او برادرش را نگاهدار و کسانی که به شهر بفرست تا هر جا ساحر دانائی است پیش تو آرند! (۱۰۳ - ۱۱۲)

ساحران نزد فرعون آمدند. گفتند اگر ما غالب آمدیم آیا برای ما مزد و پاداشی باشد؟! گفت آری و بی‌گمان شما از مقربان خواهید بود. آنها به موسی گفتند آیا عصای خویش را می‌افکنی یا ما (جادوهای خود را) بی‌افکنیم؟! موسی گفت شما بی‌افکنید و چون آنها بساط خود را افکندند چشم‌های مردم را جادو کردند و آنان را ترسانیدند و جادوی بزرگ و هول‌انگیزی آوردند! (۱۱۳ - ۱۱۶)

به موسی وحی کردیم عصابت را بی‌انداز. که همان دم همه آن چه را که آنها به دروغ ساخته بودند بلعید! پس حق آشکار شد و آن چه که آنها می‌کردند همه باطل گردید! آنها همانجا مغلوب شدند و سرافکنده بازگشتند. جادوگران به سجده افتادند. گفتند ما به پروردگار عالمیان ایمان آوردیم. پروردگار موسی و هارون! (۱۱۷ - ۱۲۲)

فرعون گفت آیا قبل از آن که من اجازه دهم به او ایمان آوردید همانا این مکرری است که شما در شهر کردید تا اهل شهر را از آن بیرون کنید. به زودی می‌دانید! همانا دست‌ها و پاهای شما را از خلاف (یعنی چپ و راست) بیرم سپس همه‌تان را به دار بزنم. گفتند ما به سوی پروردگارمان بازگشتیم! و تو ای فرعون از ما انتقام نمی‌کشی مگر برای آن که ما به معجزات پروردگارمان، که به ما رسید ایمان آوردیم. پروردگار! بر ما صبر عطا کن و ما را فرمانبردار از دنیا بپر! (۱۲۳ - ۱۲۴)

بزرگان قوم به فرعون گفتند آیا موسی و طایفه‌اش را رها می‌کنی که در زمین فساد کنند و تو و خدایت را ترک نمایند؟! گفت به زودی پسرانشان را می‌کشم و زناشان را زنده نگه می‌دارم و ما بر آنها چیره و غالبیم. (۱۲۵ - ۱۲۷)

موسی به قوم خویش گفت از خدا یاری بخواهید و صبور باشید به راستی زمین متعلق بدو است و خدا کسی از بندگان را که بخواهد وارث آن می‌گرداند و عاقبت نیکو از آن نیکوکاران و پرهیزکاران است. آنها (به موسی) گفتند قبل از آمدن تو و پس از آن هم که آمدی به ما شکنجه و آزار نمودند گفت امید است پروردگارتان دشمنان را هلاک گرداند و شما را در زمین جانشین سازد و بنگرد که عملکرد شما چگونه می‌باشد! (۱۲۸ - ۱۲۹)

آل فرعون را به قحطسالی و کاهش محصولات و میوه‌جات دچار کردیم که شاید پند

گیرند! هرگاه به آنها نیکی روی می‌آورد می‌گفتند به سبب شایستگی خود ما است و چون بدی به آنها می‌رسید به موسی و کسانش شگون بد می‌زدند. بدان، شگون آنها نزد خدا است ولیکن بیشتر آنها نمی‌دانند. (۱۳۰ - ۱۳۱)

فرعونیان گفتند هرگونه معجزه و آیتی برای ما بیاوری که ما را با آنها جادو کنی به تو ایمان نخواهیم آورد! پس بر آنها طوفان، و ملخ، و شپش، و وزغ، و خون، و بلا و عذاب فرستادیم که معجزات روشنی از قدرت ما بود. باز سرکشی کردند و قوم تبهکاری شدند! و چون بلا و عذاب بر آنها نازل شد گفتند یا موسی! پروردگارت را، بدان عهدی که تو را هست برای ما بخوان (تا دفع بلا کند) و اگر عذاب را از ما بازداری به تو ایمان می‌آوریم و بنی‌اسرائیل را با تو می‌فرستیم. (۱۳۲ - ۱۳۴)

و چون عذاب را برای مدتی از آنان دور کردیم تا بدان مدت برسند باز پیمان‌شکنی کردند! پس ما هم از آنها انتقام کشیدیم و آنان را در دریا غرق نمودیم زیرا آیات ما را تکذیب کردند. و از آن غافل بودند! و قومی را که به دست فرعونیان مستضعف و زبون شده بودند وارث شرق و غرب زمین پربرکت ساختیم و وعده نیک پروردگارت، به سبب صبری که بنی‌اسرائیل کردند، بر آنها انجام گرفت و هر چه که فرعون و کسانش ساختند و هر چه برافراشتند همه را تباہ نمودیم! و بنی‌اسرائیل را از دریا گذرانیدیم.

آنها به قومی رسیدند که در کنار بت‌های خویش به عبادت نشسته بودند! (بنی‌اسرائیل) گفتند ای موسی! برای ما هم چنین خدائی قرار ده. گفت به راستی شما گروهی هستید که نادانی می‌کنید! بی‌گمان آن طایفه، هلاک شدگان عقایدی هستند که در آنند و آن چه می‌کنند کار باطلی می‌باشد! آیا برای خود غیر از خدا معبودی بجویم حال آن که او شما را بر جهانیان برتری داده است؟! به یاد داشته باشید که او شما را از آل فرعون نجات داد. آنها به بدترین شکلی شما را عذاب می‌کردند. پسرانتان را می‌کشتند و زنانتان را زنده نگاه می‌داشتند و در آن چه می‌کردند بلای عظیمی از جانب پروردگارتان بود! (۱۳۵ - ۱۴۱)

و ما با موسی سی شب قرار و وعده نهادیم و ده شب دیگر بر آن افزودیم تا آن که وعده پروردگارش به جهان تکمیل شد. و موسی به برادرش هارون گفت تو در میان قوم جانشین من باش و راه اصلاح پیش گیر و از طریق تبهکاران پیروی منما! و چون موسی به وعده ما آمد و خدا با وی سخن گفت گفت پروردگارا خودت را به من بنما تا من بنگرم. فرمود تو هرگز مرا نبینی ولی بر کوه بنگر اگر (به هنگام تجلی نور من) بر جای خود استوار بماند مرا خواهی دید! هنگامی که نور خدا در کوه تجلی کرد آن را ریز ریز نمود و موسی بیهوش افتاد. بعد که به هوش آمد گفت خدایا تو پاک و منزهی. توبه کرده به سوی تو بازگشتم و من نخستین ایمان آورندگانم.

فرمود ای موسی! تو را برای ابلاغ پیام‌ها و سخن خویش به مردم برگزیدم پس آن چه را به تو فرستادم برگیر و از سپاسگزاران باش! و برای او در الواح از هر چیز پند و تفصیلی نوشتیم و گفتیم آن را با قوت بگیر و بر قوم خود دستور بده که نیکوترین آنها را برگزینند (و از عصیان‌گران نهراسند) به زودی جایگاه عصیان‌گران را بر شما خواهیم نمود. کسانی را که در زمین به ناحق گردنفرازی کنند از آیات رحمت خود منحرف سازم که هر آیتی ببینند بدان ایمان نیاورند و اگر طریق رشد و هدایت را مشاهده کنند آن را نه پیمایند! ولی اگر راه ضلالت ببینند آن را راه خویش قرار دهند! این بدان سبب است که به آیات ما کفر ورزیدند و از آن غافل بودند! کسانی که آیات ما و دیدار روز قیامت را تکذیب کردند اعمالشان تباہ گشته است. آیا آنها جز آن چه کردند کیفر ببینند؟! (۱۴۲ - ۱۴۷)

قوم موسی بعد از رفتن او (به میعادگاه) از زیورهای خویش مجسمه گوساله‌ای ساختند که چون گاو آواز می‌داد. آیا آنها نمی‌دانستند که آن پیکره با ایشان سخن نگوید و آنان را به راهی هدایت ننماید؟ آن را معبود خود گرفتند و آنها ستمگران بودند. و چون پشیمان گشتند و دیدند که گمراه شده‌اند گفتند اگر پروردگار ما بر ما رحم نکند و از ما درنگزد البته زیانکار خواهیم بود! و چون موسی با حالت خشم و اسف به قوم خود بازگشت گفت در غیبت من چه جانشینی بدی از من کردید چرا از فرمان پروردگارتان پیشی گرفته عجله نمودید. الواح را بر زمین انداخت و سر برادرش را گرفته به سوی خود می‌کشید! (برادرش) گفت ای پسر مادرم! این قوم مرا زبون داشتند و نزدیک بود مرا بکشند. تو با شمتت من دشمنان را شاد مکن و مرا در عداد ستمکاران مشمار! موسی گفت پروردگارا! از من و برادرم درگذر و ما را در حیطه رحمت خویش در آر که تو بخشنده‌ترین بخشنده‌گانی! (۱۴۸ - ۱۵۱)

کسانی که گوساله پرستی را برگزیدند به زودی خشمی از پروردگارشان و ذلت و خواری در زندگی دنیا با آنها برسد و ما افترازان را این چنین کیفر می‌دهیم. و کسانی که مرتکب کارهای بد شدند سپس برگشته توبه نمودند و ایمان آوردند بی‌گمان پروردگار تو بعد از آن آمرزگار مهربان می‌باشد. (۱۵۲ - ۱۵۳)

و چون خشم موسی فرونشست الواح را برگرفت در حالی که نسخه آن برای کسانی که از پروردگارشان بیم دارند هدایت و رحمت بود. و موسی هفتاد کس از قوم خود برای آمدن به میعادگاه ما برگزید. هنگامی که صاعقه آنها را در گرفت گفت خدایا! کاش آنها و مرا قبلاً می‌کشتی آیا در مقابل عمل سفیهان ما را می‌کشی؟ تو یاور مائی! پس از گناهان ما درگذر و به ما رحم کن و تو بهترین آمرزندگانی. خدایا! در این دنیا و نیز در آخرت برای ما نیکی و حسنه مقرر فرما، که ما به سوی تو هدایت یافته‌ایم! فرمود عذاب خویش را به هر که خواهم برسانم (ولی) رحمت من همه موجودات را فرا می‌گیرد. به زودی بر کسانی که پرهیزکاری کنند و زکات بدهند و به آیات ما ایمان آورند آن را مقرر می‌داریم. (۱۵۴ - ۱۵۶)

آنان که پیامبر فرستاده شده درس نخوانده را، که نامش را نزد خودشان در تورات و انجیل نوشته می‌یابند، پیروی کنند، که آنان را به کار پسندیده امر می‌کند و از کارهای زشت باز می‌دارد، هر طعام پاکیزه را بر آنان حلال و هر پلید و ناپاک را حرام می‌گرداند، احکام سنگین را که به سان بارهای گران و زنجیرها بر گردنشان است فرو می‌نهد، پس آنهایی که بدو گرویدند و او را بزرگ داشتند و به یاریش برخاستند و از نوری که با وی فرستاده شده تبعیت کردند آنها رستگار اند. (۱۵۷)

بگو ای مردم! من فرستاده خدا برای همه شمایم. خدائی که ملک آسمان‌ها و زمین از آن او است. جز او معبودی نیست. زنده می‌کند و می‌میراند. پس به خدا ایمان آورید و به فرستاده‌اش، پیامبر درس نخوانده‌ای که به خدا و کلمات او ایمان آورده است، بگروید باشد که راه راست یابید. (۱۵۸)

و از قوم موسی گروهی هستند که به حق داوری کنند و بدان دادگری نمایند. (۱۵۹) و ما آنها (بنی اسرائیل) را به دوازده سبط امت‌هائی تقسیم کردیم و هنگامی که آنها از موسی آب خواستند به او وحی نمودیم که با عصایت به سنگ بزن. پس دوازده چشمه از آن جاری شد. هر جماعتی آبشخور خود را شناخت. و ابر را بر آنها سایه‌بان ساختیم. برای آنها مرغ بریان و ترنجبین فرستادیم (و گفتیم) از تمام پاکیزه‌ها که بر شما روزی قرار داده‌ایم



بخورید آنها به ما ظلم نکردند بلکه بر خویشتن ستم نمودند. (۱۶۰)  
 و چون به قوم موسی وحی شد که در این شهر (بیت المقدس) مسکن کنید و از طعامها و خوردنی های آن، هر چه خواستید بخورید و بگوئید (خدایا) گناهان ما بریز. و سجدمکنان از دروازه وارد شوید. ما گناهان شما را بیامرزیم و به زودی بر پاداش نیکوکاران بی افزائیم. اما ستمکارانی از آنها گفته و دستور را، غیر از آن چه به آنها گفته شده بود، عوض کردند. پس به سبب آن که ستم می کردند از آسمان عذابی برایشان فرستادیم<sup>۱</sup>. از آنها درباره ساکنان شهری که مجاور دریا بود پرس که مردم آن روز شنبه تجاوز می کردند؟ چون در آن روز ماهیان به روی آب می آمدند ولی روزهای دیگر ظاهر نمی شدند. بدین گونه ما آنها را به فسق و نافرمانی که می کردند آزمودیم<sup>۲</sup>.

و چون جمعی از آنها گفتند چرا قومی را که از جانب خدا به هلاکت یا به عذاب سخت محکومند موعظه می کنید (ناصحان) گفتند پند ما برای آن است که نزد پروردگارتان ما را عذری باشد و شاید که آنها تقوی پیش گیرند! پس چون هر چه به آنها پند داده شد به فراموشی سپردند ما کسانی را که پند می دادند و از کارهای بد نفی می کردند نجات دادیم و ستمکاران را به کفر فسقشان به بدترین عذاب گرفتار ساختیم! و چون از آن چه نهی شده بود سر باز زدند (اتان را مسخ کردیم) گفتیم بوزینگان زبون باشید! (۱۶۱ - ۱۶۶)  
 و به یاد آور آنگاه را که پروردگارت اعلام کرد کسی را بر آنان بگمارد که تا روز قیامت عذاب سخت بر آنها بچشاند زیرا پروردگار تو زود کیفردهنده است و همو آمرزگار مهربان می باشد. (۱۶۷)

و آنها را گروه گروه در زمین پراکندیم. بعضی از آنان نیکان و صالحانند و برخی غیر از آن باشند. آنها را با نیکی ها و بدی ها آزمودیم شاید بازگردند! پس از آن که آنها درگذشتند جانشین هائی به جای آنها نشستند که وارث کتاب آسمانی شدند. آنها بهره این دنیا را برگزیدند و گفتند ما (در آخرت) آمرزیده خواهیم شد. و اگر باز متاعی مانند آن به ایشان بیاید آن را نیز برگیرند! مگر از آنان پیمان کتاب آسمانی گرفته نشد که به خدا جز حق نگویند و آنها آن چه را که در آن بود خوانده اند! و سرای آخرت برای کسانی که تقوی پیشه کنند بهتر است چرا عقل خود را به کار نمی برند؟ و کسانی که به کتاب آسمانی چنگ می زنند و نماز بر پا می دارند همانا پاداش نیکوکاران را ضایع نگردانیم. (۱۶۸ - ۱۷۰)  
 و چون کوه را مانند سایه بانی بالای سرشان (بنی اسرائیل) بداشتیم پنداشتند که بر سر آنها خواهد افتاد. (گفتیم) آن چه را به شما دادیم (تورات) به قوت برگیرید و آن چه را که در آن است به خاطر بسپارید. باشد که پرهیزکار شوید. (۱۷۱)

و چون پروردگارت از پشت بنی آدم نسل و ذریه او را پدید آورد آنها را بر خودشان شاهد قرار داده فرمود آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند بلی! ما بدین امر گواهی می دهیم. (این گواهی برای آن بود) تا روز قیامت نگوئید ما از آن غافل بودیم. یا نگوئید پدران ما پیش از این در دین شرک بودند و ما هم فرزندان از نسل آنهایم. چرا ما را بدان چه اهل باطل کردند هلاک می کنی؟! و ما اینچنین آیات را تفصیل دهیم و شاید که آنها باز گردند. (۱۷۳ - ۱۷۴)  
(ای محمد) خیر آن کس را که ما آیات خود را بدو تعلیم دادیم و او از آن به در و دور

۱. آیات ۵۷ تا ۶۰ سوره بقره در زمینه آیات فوق می باشد.

۲. شهر مورد اشاره الا Ela نام داشته و در کنار دریای احمر بوده است. بر یهودیان ممنوع بود روز شنبه ماهی بگیرند و چون در آن روز ماهی ها روی آب می آمدند آنان وسوسه شده به صید آنها می پرداختند و کار خلاف دستور انجام می دادند.

شد بر آنان بخوان. پس شیطان به دنبال وی شد و او از گمراهان گردید! اگر می‌خواستیم با آن آیات او را رفعت مقام می‌دادیم ولیکن او در زمین مقام کرد و از خواهش نفس خود پیروی نمود! و مثل او مثل سگ است که اگر بدو حمله کنی به عوعو زبان کشد و اگر رهایش کنی باز به عوعو زبان کشد. این داستان مردمی است که آیات ما را تکذیب کردند و آنها به خویشان‌های خویش ستم نمودند! هر که را خدا هدایت کند او راه راست یافته است و هر که را گمراه گرداند پس آنان زیانکارانند! برای دوزخ بسیاری از انس و جن بیافریدیم. آنها را دل‌هایی است که بدان درک نکنند و چشم‌هایی است که با آنها نبینند و گوش‌هایی است که با آنان نشنوند. آنها همچون چهارپایانند بلکه گمراه‌تر از آنها. آنها خود از غافلانند! (۱۷۵ - ۱۷۹)

برای خدا نام‌های نیکویی است او را با آن نام‌ها بخوانید و کسانی را که در نام‌های او میل به کژی دارند به حال خود واگذارید که به زودی کیفر آن چه را کرده‌اند دریابند. (۱۸۰) و از آنهایی که آفریدیم گروهی به حق هدایت می‌کنند و به حق داور می‌نمایند. ولی آنهایی را که آیات ما را تکذب کردند به تدریج (به سوی عذاب) می‌کشیم از جایی که آنها ندانند! و به آنها مهلت می‌دهیم زیرا تدبیر من متین و استوار است. مگر این مردم فکر نکردند که مصاحب آنها (محمد) جنون ندارد؟ او فقط بیم‌دهنده آشکار است. مگر آنها در ملکوت آسمان‌ها و زمین و آن چه خدا از هر چیزی آفریده است نمی‌نگرند؟ و شاید اجل آنها نزدیک باشد. پس بعد از آن به کدام سخن ایمان خواهند آورد؟! هر که را خدا در ضلالت افکند برای او راهنمایی نباشد و او آنان را در سرکشی و طغیانشان فرو گذارد که سرگردان باشند. (۱۸۱ - ۱۸۶)

(ای پیامبر) از تو درباره قیامت پرسند که کی واقع می‌شود؟ بگو علم آن نزد پروردگار من است جز او کسی آن را در موقعش پدیدار نکند. آن بر آسمان‌ها و زمین گران باشد و جز به ناگاه بر شما نیاید! از تو پرسند که گوئی تو بر آن آگاهی داری. بگو علم آن نزد خدا است ولیکن بیشتر مردم نمی‌دانند! بگو من بر خویشان، جز آنچه خدا بخواهد مالک سود و زبانی نیستم و اگر غیب می‌دانستم حتماً خوبی‌های بسیاری گردمی‌آوردم و بدی‌ها را از خود دور می‌کردم. من جز یک بیم‌دهنده و مژده رسان برای مؤمنان نمی‌باشم. (۱۸۷ - ۱۸۸) او است خدائی که همه شما را از یک تن آفرید و جفت او را از خود او قرار داد تا با آن آرام گیرد. و چون با وی نزدیکی کرد بار سبکی گرفت. روزگاری بر وی برآمد. هنگامی که بارش سنگین گشت آن دو (پدر و مادر) خدای خویش را خواندند که اگر فرزند صالح و نیکوکاری بر ما عطا کنی از سپاسگزاران خواهیم بود. و چون فرزند شایسته‌ای به آنها داد در آن چه به آنها داده بود شریکانی برای او قرار دادند و خدا برتر از آن است که بر او شریک قرار دهند. (۱۸۹ - ۱۹۰)

ایا چیزهایی را شریک قرار می‌دهند که آفریدن نتوانند و خودشان آفریده شده‌اند! نه بر دیگران یاری کردن توانند و نه بر خویشان یاری توانند کرد. و اگر آنها را به راه راست بخوانی از تو پیروی نمایند! بر شما یکسان است چه آنها را بخوانید چه خاموش باشید! آنانی را که غیر از خدا می‌خوانید بندگان مثل شما هستند. اگر راست می‌گوئید آنان را بخوانید تا به شما جواب بدهند! مگر آنها (بت‌ها) پاهائی دارند که با آن راه بروند؟ مگر بر آنها دست‌هایی است که با آن اشیاء را به قوت بگیرند؟ یا آنها چشم‌هایی دارند که با آنها

۱. این کس را بلعم باعور نوشته‌اند که از علمای بنی‌اسرائیل بود که نابوری کرد و از علم خود که آموخته بود به در شد و از گمراهان گردید.

ببینند؟ یا گوش‌هایی دارند که با آنها بشنوند؟ بگو شرکای خود را بخوانید آنگاه با من مکر کنید و مهلتم ندهید. (۱۹۱ - ۱۹۵)

همانا یاور من خدائی است که کتاب را بر من نازل کرد و او است سرپرست صالحان و نیکوکاران. و کسانی که جز او می‌خوانید نمی‌توانند بر شما یاری رسانند و حتی به یاری خودشان نیز قادر نمی‌باشند! و اگر آنها را به راه راست بخوانید نمی‌شنوند و می‌بینی که به تو می‌نگرند در حالی که نمی‌بینند. (۱۹۶ - ۱۹۸)

عفو پیشه کن و به کارهای نیک فرمان بده و از راه جاهلان دوری گزین! و اگر از شیطان و سوسه‌ای بر تو رسد به خدا پناه آور بی‌گمان او شنونده دانا است! چون پرهیزکاران را از شیطان و سوسه و خیالی بر دل برسد خدا را یاد می‌کنند پس آنگاه بصیرت و بینش یابند! (شیاطین) برادرانشان را در گمراهی کشانند و در گمراه کردن بدکاران هیچ کوتاه نیابند! و اگر آیتی بر آنان نیاوری گویند چرا آیه‌ای فراهم نکردی؟! بگو من آن چه را که پروردگارم بر من وحی می‌کند پیروی می‌نمایم! این وحی بینش‌هایی است از جانب پروردگارتان و هدایت و رحمتی است برای مؤمنان. (۱۹۹ - ۲۰۳)

هنگامی که قرآن خوانده می‌شود بدان گوش فرا دهید و خاموش باشید شاید که مورد رحمت قرار گیرید! (۲۰۴)

پروردگار خود را صبح و شام، به زاری و بیم و فروتر از بانگ بلند در دل خود یاد کن و از غافلان مباش! (۲۰۵)

بی‌گمان کسانی که نزد پروردگار تو اند از پرستش او کبر نورزند و او را تسبیح می‌گویند و بدو سجده می‌نمایند. (۲۰۶)

۱. علما بر این باورند که این آیه جامعترین آیه اخلاقی در قرآن کریم است.